

بررسی عوامل و موانع تجاری‌سازی اموال فکری در ایران

محمدهادی میرشمسی^۱

خیرالله هرمزی^۲

محبوب افراسیاب^۳

چکیده

در دنیای امروز، قدرت اقتصادی برای هر کشوری اولویت اول در برنامه‌ریزی‌های کلان محسوب می‌شود و توان اقتصادی هر کشور به میزان رشد تولید خالص داخلی آن بستگی دارد. مؤثرترین پارامتر در افزایش تولید ناخالص داخلی، تجاری‌سازی محصولات بومی در تمام شاخه‌های اقتصادی است که اموال فکری از جمله آن‌ها می‌باشد. در کشورهای پیشرفته سهم تولیدات محصول فکری نزدیک به ۴۰٪ از کل تولید خالص ملی است. متأسفانه در ایران سهم محصولات فکری تجاری‌سازی‌شده بسیار پایین و نزدیک به عدد صفر است. این مقاله تلاش می‌کند تا عوامل و موانع تجاری‌سازی محصولات فکری را در عرصه حقوقی و اقتصادی بررسی کند.

واژگان کلیدی

تجاری‌سازی اموال فکری، خلأهای قانونی، مشکلات اقتصادی

۱. استادیار، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: mh_mirshamsi@yahoo.fr

۲. استادیار، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

۳. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

مقدمه

بدون شک جهت رسیدن به توسعه‌یافتگی، راهی جز پیمودن مسیر توسعه اقتصادی برای ایران وجود ندارد. برای رهایی از زنجیر تک‌محصولی در اقتصاد ایران یعنی تکیه بر درآمدهای نفتی و خام‌فروشی، یکی از مؤثرترین راه‌ها برای بهبود شرایط اقتصادی کشور، اقتصاد ایران تجاری‌سازی محصولات بومی و منطقه‌ای و توجه به آمایش سرزمینی و پتانسیل‌های موجود هر بخش است که در این میان، تجاری‌سازی آثار و اموال فکری به عنوان یکی از مهم‌ترین محصولات بومی می‌باشد.

ارتقای سطح تولید در کشور، دولت را ترغیب به اعمال حمایت‌های مؤثر از پدیدآورندگان آثار فکری و تولیداتشان می‌کند تا در عرصه داخلی و بین‌المللی هم حق خالقان این آثار ادا شود و هم منافع اقتصادی و اجتماعی کشور تأمین گردد. وجود آثاری که در آن‌ها اندیشه و اطلاعات مفیدی نهفته است موجبات رشد و ترقی جامعه را فراهم می‌آورد و از سوی دیگر به تولید آثاری می‌انجامد که بر اساس آثار اولیه یا با تکمیل و ارتقای آن‌ها خلق شده‌اند. این تعامل اندیشه که مجدداً آثاری را در دسترس دیگران قرار می‌دهد، همچون زنجیره‌ای است که حلقه‌های به هم متصل آن، به استحکام یک جامعه مدرن منجر می‌گردد.

لزوم ایجاد انگیزه در مبتکران و بخش فعال در عرصه‌های تحقیق و توسعه برای افزایش و جهت‌دهی نوآوری و توسعه‌یافتگی کشور ایجاب می‌کند تا موانع تجاری‌سازی دارایی و محصولات فکری شناسایی و در جهت رفع آن‌ها گام برداشته شود. در واقع، آسیب‌شناسی فرایند تجاری‌سازی محصولات فکری و ارائه راه‌کارهایی برای تسهیل و افزایش جایگاه این مسأله مهم می‌تواند گامی مهم در برنامه‌ریزی توسعه فناوری و اقتصادی در کشور به حساب آید. نوشتار حاضر تلاشی در جهت

شناسایی و بررسی موانع تجاری‌سازی اموال فکری و ارائه راه‌کارهایی برای رفع آن‌ها است.

بر این اساس، بخش دوم این پژوهش به تجزیه و تحلیل مشکلات و موانع قانونی در زمینه تجاری‌سازی اموال فکری در ایران می‌پردازد و بخش سوم راجع به بررسی موانع اقتصادی در این مسیر می‌باشد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که در نظر گرفتن خلأهای قانونی و اقدام در جهت جبران آن‌ها از طریق قانونگذاری به شیوه‌ای کارآمد و مؤثر یکی از ارکان اصلاح موانع تجاری‌سازی محصولات فکری است. در بعد اقتصادی، سیاستگذاری منسجم و واقعی‌نگر اقتصادی توسط دولت برای اختصاص بودجه‌های تشویقی و افزایش امنیت اقتصادی در جهت ترغیب سرمایه‌گذاران به سرمایه‌گذاری در طرح‌های خلاقانه می‌تواند در جهت سهولت و بسترسازی تجاری‌سازی اموال و آثار فکری پیشنهاد گردند.

الف - مشکلات و موانع قانونی در زمینه تجاری‌سازی اموال فکری در ایران

۱- عدم تأسیس سازمان‌های مدیریت جمعی اموال فکری در ایران

هدف از شکل‌گیری سازمان‌های مدیریت جمعی، اصولاً ایجاد راه حلی مؤثر برای پدیدآورندگان و یا دارندگان حقوق مادی آفرینش‌های فکری در راستای اعمال و بهره‌برداری از این حقوق بیان شده است. (پورمحمدی ماهونکی، ۱۳۹۱ ش.) استیفای این حقوق توسط دارندگان امری دشوار بوده و بعضاً قادر به بازاریابی و پیگیری آن نمی‌باشند، اما پیدایش این سازمان‌ها از یکسو باعث تسهیل استیفای حقوق و بازاریابی آثار توسط دارندگان شده و از سوی دیگر موجبات رفاه نسبی بهره‌برداران این حقوق در اموری نظیر کسب مجوز بهره‌برداری و یا دسترسی به آثار را فراهم خواهد آورد. (پورمحمدی ماهونکی، ۱۳۹۱ ش.) بنابراین ایجاد این سازمان‌ها

به نفع هر دو طرف بازار بهره‌برداری‌های مادی و تجاری‌سازی آفرینش‌های و اموال فکری خواهد بود و موجب خواهد شد که حقوق مادی آثار به نحو مؤثرتری مورد بهره‌برداری و نظارت قرار گیرند.

نکته قابل توجه این‌که کشورها در مواجهه با چنین سازمان‌هایی دو رویکرد را در پیش گرفته‌اند. برخی از کشورها با توجه به اقتصاد رقابتی، محدودیت‌های کنترل را جهت شکل‌گیری سازمان‌های مدیریت جمعی در نظر گرفته و برخی دیگر با دلایلی نظیر حمایت مؤثر از دارندگان حقوق مادی و همچنین حفظ منافع جامعه در مقابل انحصار دارندگان حق محدودیت‌هایی را برای شکل‌گیری این سازمان‌ها در نظر گرفته‌اند. (معینی، ۱۳۹۳ ش.) ثمره اتخاذ چنین رویکردهایی را می‌توان به سهولت در قانون‌گذاری آن‌ها پیدا کرد.

کشورهای دسته اول در قوانین خود صرفاً چارچوب‌های کلی و مشروعیت تشکیل این سازمان‌ها را بیان کرده و مابقی مقررات و مشروح فعالیت آن‌ها را به اساسنامه‌های آن‌ها واگذار کرده‌اند، (معینی، ۱۳۹۳ ش.) اما در دسته دوم قوانین کامل‌تری را که عموماً جنبه آمره دارند، برای فعالیت این سازمان‌ها تدوین کرده و صرفاً جزئیاتی را که بیشتر مربوط به اداره امور آن‌ها می‌شود، بر عهده مؤسسان و اعضای این سازمان‌ها گذاشته‌اند. (معینی، ۱۳۹۳ ش.)

به هر ترتیب، اجرای مؤثر حقوق مالکیت فکری در بسیاری از موارد نیازمند دخالت نهاد یا سازمانی واسطه بین صاحب اثر و مصرف‌کنندگان است. صاحب اثر معمولاً امکان مذاکره با تعداد زیاد مصرف‌کنندگان را ندارد و اغلب در مقابل مصرف‌کنندگان بزرگی مثل سازمان‌های پخش رادیو تلویزیونی، ایستگاه‌های رادیویی، سالن‌های نمایش و فروشگاه‌ها از موقعیت معاملاتی و چانه‌زنی پایینی برخوردار

است و در بسیاری مواقع امکان کنترل استفاده‌های بدون مجوز از آثارش را ندارد. (صادقی، ۱۳۹۳ ش.)

از طرفی مصرف‌کنندگان آثار نیز همواره توانایی برقراری ارتباط با صاحب اثر و کسب مجوز از او تحت شرایط عادلانه و منصفانه را ندارند. (پورمحمدی ماهونکی، ۱۳۹۳ ش.) ضمن این‌که در بسیاری موارد کسب مجوزهای متعدد، کاری دشوار و غیر ممکن خواهد بود و مجوزهای کلی برای استفاده از لیستی از آثار یا صدور مجوز از یک مکان واحد برای آثار متعدد لازم است. (پورمحمدی ماهونکی، ۱۳۹۳ ش.) سازمان‌های مدیریت جمعی واسطه مناسبی بین صاحبان آثار و مصرف‌کنندگان شناخته شده‌اند و تجربیات کشورها نشان داده است که آن‌ها نقش بسیار حیاتی و مؤثری در حمایت از هر دو طرف رابطه و اجرای حقوق دارند. (پورمحمدی ماهونکی، ۱۳۹۳ ش.)

در حال حاضر و در قوانین ایران جای این سازمان‌ها خالی است. با توجه به نبود بازار تخصصی در حوزه محصولات فکری خصوصاً اختراعات و طرح‌های صنعتی و علائم تجاری و عدم امکان جذب آن‌ها در بازار بورس و فرابورس و سیستم یکپارچه اطلاع‌رسانی، در اقتصاد کشور متولی خاصی جهت مدیریت این گونه اموال تعریف نشده است. در نتیجه دارندگان این محصولات با مشکل مدیریت آن‌ها مواجه هستند و این امر اثر منفی خود را در نحوه بازاریابی و عرضه محصولات مذکور در بازارهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای گذاشته است و موجبات نقض حقوق مالکان فکری را فراهم نموده است.

لازم به ذکر است به موجب برخی از مقررات پیش‌بینی‌شده در لایحه جامع مالکیت ادبی هنری و حقوق مرتبط، ایجاد این قبیل سازمان‌ها پیش‌بینی شده است و با توجه به این‌که مابقی مقررات حاکم بر سازمان مدیریت جمعی به آیین‌نامه قانون مذکور موکول شده است، این امکان برای قانونگذار وجود دارد که با تهیه

یک آیین‌نامه با رویکردی نظیر کشورهای دسته اول بیشتر اختیارات را به چنین سازمان و یا سازمان‌هایی واگذار کند و یا طبق رویه کشورهای دیگر غالب، مقررات حاکم را در آیین‌نامه پیش‌بینی کرده و صرفاً برخی مقررات مربوطه به اداره امور آن‌ها را منوط به تصمیم مؤسسان نمایند. (سلطان‌زاده، ۱۳۹۳ ش.) به هر حال، این لایحه هنوز به تصویب مجلس شورای اسلامی نرسیده است.

بدیهی است که برای ایجاد و اداره یک نظام پایدار و کارآمد جهت تجاری‌سازی اموال فکری، به ویژه در عصر دیجیتال، وجود سازمان‌های مدیریت جمعی مدرن یک نیاز ضروری است و با توجه به نقشی که سازمان‌های مدیریت جمعی در توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشورها ایفا می‌کنند، کشورهای در حال توسعه از جمله کشورمان نیاز به تأسیس و توسعه سازمان‌های مشابه دارند. (سلطان‌زاده، ۱۳۹۳ ش.) با توجه به سابقه و وظایفی که سازمان جهانی مالکیت فکری در زمینه ارتقای آگاهی نسبت به نقش و جایگاه این نوع سازمان‌ها و ارائه کمک‌های مختلف حقوقی، فنی، اداری و ظرفیت‌سازی و توسعه منابع انسانی ایفا می‌کند، کشورمان می‌تواند از طریق همکاری‌های مشترک و درخواست مساعدت از این سازمان و در چارچوب برنامه‌های مختلف آموزشی، برگزاری سمینارهای منطقه‌ای و... از تجربه و امکانات این سازمان برای فرهنگ‌سازی درباره فعالیت این سازمان‌ها و ایجاد مبانی حقوقی و قانونی برای تشکیل و فعالیت آن‌ها استفاده نماید. (سلطان‌زاده، ۱۳۹۳ ش.)

۲- عدم جبران خسارت عدم‌النفع

بسیاری از خسارات وارده به حقوق و اموال فکری خصوصاً مالکیت صنعتی نوعی عدم‌النفع محسوب می‌شود و عدم جبران این نوع خسارات مانع جدی در بحث تجاری‌سازی اموال به حساب می‌آید. در قوانین ایران، ماده ۴۹ قانون ثبت

علائم و اختراعات مصوب ۱۳۱۰ که با وضع قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری ۱۳۸۶ منسوخ کردید، راجع به خسارات ناشی از نقض حق اختراع و حق علامت تجاری، نوع خساراتی که قابل مطالبه هستند را مشخص کرده بود. مطابق با مفاد این ماده، «در مورد خساراتی که خواه از مجرای حقوقی و خواه از مجرای جزایی در دعاوی مربوط به اختراعات و علائم تجاری مطالبه می‌شود، خسارات شامل ضررهای وارده و منافع خواهد بود که طرف از آن محروم شده است.» این ماده صراحتاً عدم‌النفع را قابل جبران می‌دانست، اما در مقررات کنونی، چنین صراحتی وجود ندارد و امکان جبران خسارت ناشی از عدم‌النفع قابل دفاع به نظر نمی‌رسد. (احسنی‌فروز، ۱۳۹۱ ش.)

البته لازم به ذکر است که به موجب حکم ماده ۶۲ قانون ۱۳۸۶ در مواردی که در معاهدات بین‌المللی راجع به مالکیت صنعتی که ایران به آن پیوسته و یا خواهد پیوست، مطالبه عدم‌النفع ناشی از نقض حق اختراع تجویز شده باشد، مستند به آن معاهده بین‌المللی، عدم‌النفع به عنوان خسارت، قابل مطالبه خواهد بود. (احسنی‌فروز، ۱۳۹۱ ش.)

بنابراین در حال حاضر در قانون ایران، خسارات قابل مطالبه ناشی از نقض حقوق مالکیت فکری، محدود است به آنچه که می‌توان ذیل عناوین کلی «خسارت»، «ضرر وارده» و «کلیه خسارات وارده» مذکور در قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری ۱۳۸۶ و آیین‌نامه مربوطه جای داد. (احسنی‌فروز، ۱۳۹۱ ش.) خصوصاً در قوانین مربوط به شاخه حقوق مالکیت ادبی و هنری مثل قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، (مصوب ۱۳۴۸/۱۰/۱۱) قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی (مصوب ۱۳۵۲/۱۰/۶) و قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای (مصوب ۱۳۷۹/۱۰/۴) و آیین‌نامه‌های اجرایی

مربوطه نیز هیچ گونه اشاره‌ای به نوع خسارات قابل مطالبه نشده است. (احسنی‌فروز، ۱۳۹۱ ش.)

به هر حال، ضروری به نظر می‌رسد، قانونگذار داخلی در تدوین قوانین جدید و همچنین رویه قضایی در تفسیر قوانین موجود، دامنه شمول خسارات ناشی از نقض حقوق مالکیت فکری را به نحوی توسعه دهند که این شمول متناسب با اقتضات این حوزه و منطبق یا مقرون با روش‌های جبرانی کارآمد نظام‌های حقوقی پیشرفته جهان باشد. (احسنی‌فروز، ۱۳۹۱ ش.) اهمیت این مسأله از این جهت برجسته‌تر می‌شود که ملاحظه شود حوزه حقوق مالکیت فکری، حوزه‌ای است که اساساً فراتر از مرزهای ملی و عمدتاً واجد جنبه‌های بین‌المللی مبتنی بر مقررات معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی و سازمان‌هایی مثل سازمان تجارت جهانی و سازمان جهانی مالکیت فکری می‌باشد و همین امر ضرورت مزبور را دوچندان می‌نماید. (احسنی‌فروز، ۱۳۹۱ ش.)

۳- فقدان رابطه کارآمد بین صنعت و دانشگاه

پیشرفت و توسعه هر کشوری بستگی به تعامل صحیح دو بخش مهم صنعت و دانشگاه دارد، زیرا یکی از پرارزش‌ترین منابعی که جامعه برای پیشرفت و توسعه در اختیار دارد، دانشگاه است. (جعفرنژاد و همکاران، ۱۳۸۴ ش.) دانشگاه به عنوان بستر مناسب تربیت نیروی انسانی در این رابطه نقشی غیر قابل انکار در تأمین نیروی متخصص و بسیاری از توانایی‌های علمی، تحقیقاتی و آزمایشگاهی مورد نیاز صنایع دارد. مراکز صنعتی نیز که آزمایشگاه‌هایی عملی برای تجربه‌کردن آموخته‌های دانشگاهی هستند، به منظور بهره‌گیری از فناوری مورد نیاز خود، از یکسو به نیروی انسانی متخصص برای مشاغل فنی و مدیریتی و از سوی دیگر به تحقیق و توسعه نیاز دارند. (جعفرنژاد و همکاران، ۱۳۸۴ ش.)

نگاهی به سابقه ارتباط دانشگاه و صنعت در ایران نشان می‌دهد که ارتباط سازمان‌یافته‌ای بین دانشگاه و صنعت وجود ندارد. به جهت تکیه اکثر دانشگاه‌های کشور به صرف تولید مدرک و عدم توجه به خلاقیت‌های ذهنی و برقرار نکردن رابطه بین ایده‌های ذهنی با فرآیند صنعت باعث شده است دانشجویان به لحاظ نبود انگیزه‌های مادی تشویق‌کننده، به سوی صنعتی‌شدن اندوخته‌های علمی خصوصاً در قلمرو اختراع و طرح صنعتی و علامت تجاری قدم بر نداشته و اندوخته‌های علمی آنان صرفاً در مرحله تصورات ذهنی و در عالم تئوریک محض انباشته شود. از این رو صنعت فناوری نصیب کم‌تری از یافته‌های ذهنی آنان داشته است. ساختار سنتی در صنعت باعث می‌شود تا صنعت نیاز به حضور مخترعین یا صاحبان طرح‌های صنعتی احساس نکند.

با توجه به عملکرد نهادهای تأسیس‌شده در کشور باید اذعان داشت که اگرچه ضرورت ایجاد ارتباط مناسب بین دانشگاه و صنعت کاملاً محرز است، با این وجود تاکنون ارتباطی مؤثری بین دانشگاه و صنعت در کشور به وجود نیامده است. (جعفرنژاد و همکاران، ۱۳۸۴ ش.). از دانشگاه فقط انتظار می‌رود که به تربیت نیروی تحصیل‌کرده همت ورزد و از صنعت نیز انتظار می‌رود تا به تولید بپردازد و در صورت وجود هر گونه همکاری، محور این همکاری‌ها نیز الزاماً انتفاع مادی کوتاه‌مدت بوده است و ناهماهنگی میان دانشگاه و صنعت موجب شده است تا ارتباط این دو تاکنون از پشتوانه اجرایی مناسبی برخوردار نباشد. (جعفرنژاد و همکاران، ۱۳۸۴ ش.).

به هر حال، با توجه به الگوهای موجود و صحیح در تقویت و بهینه‌کردن ارتباط بین دانشگاه و صنعت، می‌توان مهم‌ترین راهکارهای اجرایی برای برطرف کردن موانع را به صورت فهرست‌وار این گونه پیشنهاد داد: سازماندهی دانشگاه‌ها برای ارائه خدمات فنی و مشاوره‌های به صنایع، راه‌اندازی رشته‌های علمی در دانشگاه‌ها

منطبق با نیازهای واقعی بخش صنعت، آشنایی بخش صنعت با توانایی‌ها دانشگاهی برای انجام تحقیقات، انعکاس مسائل و مشکلات صنایع به دانشگاه‌ها و کاهش تشریفات اداری. (جعفرنزاد و همکاران، ۱۳۸۴ ش.)

۴- ناسازگاری بین سیاست‌های دولت و رویه قضائی محاکم

با توجه به این‌که دولت برنامه راهبردی خاص برای تجاری‌سازی محصولات فکری ندارد و به صورت بخشنامه‌های متفرقه و ناهمگون به حمایت از این محصولات می‌پردازد، در عمل پشتیبانی و حمایت کافی از سوی دولت از محاکم تخصصی این رشته به عمل نیامده است و در نتیجه آثار متفاوتی از عملکرد دو نهاد به وجود می‌آید. از آنجا که در ابزارهای حمایتی دولت، تجاری‌سازی این محصولات به عنوان برنامه راهبردی هدف‌گذاری نشده است، رویه قضایی نمی‌تواند به تنهایی این مسیر را هموار نماید.

جهت اصلاح این مسیر، دولت می‌بایست از طریق پشتیبانی از ثبت گواهی‌های اختراع، طرح صنعتی و یا اسرار تجاری و مکانیزه‌نمودن فرآیند آن، قوه قضائیه را یاری نمایند. همچنین سیاست‌های هر دو نهاد باید هم‌راستا و در جهت تقویت تجاری‌سازی باشد.

برخی آرای دادگاه‌های تخصصی به ویژه مالکیت فکری (شعبه سوم دادگاه حقوقی تهران و شعبه ۱۰۴۳ دادگاه جزایی تهران) در جهت حمایت از اموال فکری به شرح زیر است:

- ۱- دادنامه شماره ۱۰۷۰-۱۳۹۰/۱۲/۸-شعبه سوم حقوقی؛
- ۲- دادنامه شماره ۰۹۰۱-۱۳۹۰/۱۰/۲۱-شعبه سوم حقوقی؛
- ۳- دادنامه شماره ۱۰۵۸-۱۳۹۰/۱۱/۳۰-شعبه سوم حقوقی؛
- ۴- دادنامه شماره ۱۰۷۳-۱۳۹۰/۱۲/۸-شعبه سوم حقوقی؛

- ۵- دادنامه شماره ۱۳۹۰/۸/۸-۶۵۱ شعبه سوم حقوقی؛
- ۶- دادنامه شماره ۱۳۹۰/۵/۲۵-۴۰۹ شعبه سوم حقوقی؛
- ۷- دادنامه شماره ۱۳۹۱/۱۲/۲۲-۱۲۵۳ شعبه سوم حقوقی؛
- ۸- دادنامه شماره ۱۳۹۱/۱۲/۸-۱۱۷۵ شعبه سوم حقوقی؛
- ۹- دادنامه شماره ۱۳۹۱/۲/۳۱-۱۲۴ شعبه سوم حقوقی؛
- ۱۰- دادنامه شماره ۱۵۶۷-۱۳۸۹/۱۱/۳۰- شعبه ۱۰۴۳ دادگاه جزایی تهران؛
- ۱۱- دادنامه شماره ۱۵۶۲-۱۳۸۹/۱۲/۲۵- شعبه ۱۰۴۳ دادگاه جزایی تهران؛
- ۱۲- دادنامه شماره ۱۳۵۶-۹۲۰۹۹۷۲۱۹۱۸۰ مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۲۸ شعبه ۱۰۴۳ دادگاه جزایی تهران؛
- ۱۳- قرار شماره ۲۰۰۳۸۷-۹۲۰۹۹۷۲۱۲۰۲۰ مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۰ شعبه دوم دادیاری داسرای ناحیه ۱۹ تهران؛
- ۱۴- دادنامه شماره ۰۶۹۵-۹۲۰۹۹۷۲۱۹۱۸۰ مورخ ۱۳۹۲/۶/۲۶ شعبه ۱۰۴۳ دادگاه جزایی تهران؛
- ۱۵- دادنامه شماره ۱۳۵۴-۹۲۰۹۹۷۲۱۹۱۸۰ مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۲۸ شعبه ۱۰۴۳ دادگاه جزایی تهران؛
- ۱۶- دادنامه شماره ۱۱۲۶-۹۰۰۹۹۷۰۳۲۳۸۰ مورخ ۱۳۹۰/۷/۳۰ شعبه ۳۸ دادگاه تجدید نظر تهران؛
- ۱۷- دادنامه شماره ۱۳۱۷ مورخ ۱۳۸۹/۱۱/۱۱ شعبه ۱۸ دادگاه تجدید نظر تهران؛
- با بررسی این آرا می‌توان نتیجه‌گیری کرد که نحوه حمایت رویه قضایی از دارندگان حقوق به طور کلی مثبت بوده و رویه قضایی توانسته است بخشی از خلأهای قانونی را جبران کند. اقدامات قضایی همانند حکم به معدوم‌نمودن کالاهای تقلیدی اختراع، طرح صنعتی و یا علائم تجاری و همچنین صدور دستور

توقیف کالاهای ناقض، تأمین خواسته، دستور موقت، تأمین دلیل و جبران خسارات وارده از جمله اقدامات دستگاه قضا بوده است. در عین حال، باید توجه داشت که به دلیل این که حمایت‌های قضایی به صورت موردی و در صورت طرح دعوا مطرح می‌شود، در مقایسه با نقشی که دولت می‌تواند پیرامون این مسأله داشته باشد، سهم و تأثیر این حمایت‌ها از طریق نظام قضایی برجسته نخواهد بود.

ج - موانع اقتصادی در زمینه تجاری‌سازی اموال فکری در ایران

۱- عدم ارزش‌گذاری محصولات فکری

ارزش‌گذاری مالکیت فکری یکی از مشکل‌ترین فعالیت‌ها در صنایع با فناوری بالا و فرصتی مهم در فرآیند تأمین مالی است، به خصوص زمانی که دارایی‌ها مورد محاسبه و ارزیابی قرار می‌گیرند. (زری‌باف و همکاران، ۱۳۸۸ ش)

هرچند از نظر مبانی فقهی اموال فکری از تمام امتیازات محصولات مادی بهره‌مند هستند، اما نبود شاخص‌های قانونی بصورت صریح و شفاف جهت ارزش‌گذاری این اموال و عدم تمایل محاکم ایران به ارزش‌گذاری این اموال موجب شده است که اموال فکری از جایگاه چندان رفیعی همانند اموال مادی برخوردار نباشند. به طور مثال، هیچ بانکی مال فکری را به عنوان وثیقه دین یا رهن نمی‌پذیرد و یا دادسراها و محاکم از محصولات فکری به عنوان وثیقه جهت آزادی افراد استفاده نمی‌کنند که این امر در روند تجاری‌سازی اموال فکری اخلاص ایجاد کرده است. قانون ثبت اختراعات و طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶ هیچ تصریحی در خصوص ارزش‌گذاری این محصولات نداشته است. به هر حال باید توجه داشت مبادله اموال نیازمند ارزش‌گذاری است و آن هم با ارائه مدل‌های

پیشرفته و به روز با استفاده از فاکتورهای علمی دنیا میسور خواهد شد که این امر در مرحله اول نیازمند قانونگذاری، سپس حمایت قضائی خواهد بود. در یک اقتصاد دانش‌محور، امکان رقابت میان مؤسسه‌های رقیب عموماً در گرو تولید محصولات با ارزش افزوده بالا، آن هم با قیمت رقابتی است. (نجمایی و همکاران، ۱۳۸۳ ش.) با توجه به این که سهم دارایی‌های فکری در فعالیت‌های اقتصادی مبتنی بر دانش در بازار بین‌المللی رو به افزایش است، بنابراین محاسبه و ارزش‌گذاری مالکیت فکری طرح‌های دانش‌محور در کشور ما با توجه به روند رو به رشد فناوری‌ها و حضور سرمایه‌گذاران و شرکای سرمایه‌گذاری دارای اهمیت می‌باشد.

۲- ناکارآمدی گمرک ایران

از آنجایی که میزان رشد قاچاق کالا و ارز از مرزهای ایران بسیار بالا است و سیاست‌های اتخاذشده جهت مبارزه با قاچاق کالاها و ارز موفقیت چشمگیری نداشته‌اند، اداره گمرک توانایی لازم جهت ممانعت از جلوگیری کالاهای ناقص حقوق دارندگان مالکیت فکری را ندارند. (بهشتیان، ۱۳۹۰ ش.) در نتیجه این امر، کالاهای رقیب محصولات فکری به راحتی وارد کشور شده و به دلیل قیمت پایین‌تر، اموال فکری تولیدی در داخل کشور، مصرف‌کنندگان خود را از دست می‌دهند. این مسأله موجب می‌شود تا تولیدکننده داخلی به تدریج از عرصه رقابت خارج گردد و تجاری‌سازی این اموال در مسیر خود عقیم مانده و به هدف متعالی خود نرسد. با توجه به این مشکل، نیاز اصلاح قوانین گمرک در کشور به شدت احساس می‌شود تا مسیر تجاری‌سازی هموار و موانع آن به طور کلی برطرف شود. پیش‌بینی اقدامات و تأمین‌های احتیاطی و موقت از جمله تأمین خواسته، دستور موقت، تولید کالاهای ناقص در تمام نقاط مرزی و برون مرزی در قوانین ایران و حذف تشریفات زائد دادرسی در محاکم تخصصی از مؤلفه‌های اساسی در اصلاح قوانین

گمرکی است. (شیخی، ۱۳۸۵ ش.) اقدامات پیش‌برنده دولت از جمله حذف موانع الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی و اجرایی کردن سایر موافقت‌نامه‌های بین‌المللی از جمله موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری می‌تواند دولت ایران را جهت رسیدن به این هدف کمک نماید. اصلاح قوانین و مقررات مربوطه خصوصاً قوانین گمرک در ارتباط با مالکیت فکری مزایای بلندمدت اقتصادی زیر را به دنبال دارد: (حسینی، ۱۳۹۱ ش.) ۱- پدیدآمدن انگیزه برای نوآوری و در نتیجه ایجاد محیطی که در آن به نوع‌آوری پاداش داده می‌شود؛ ۲- تشویق و کشف روش‌هایی برای تولید و توزیع فرآورده‌های موجود با هزینه کم‌تر؛ ۳- دعوت به عرضه محصولات دانش فنی و خدمات جدید کم‌خطر و مؤثر؛ ۴- تشویق انتقال دانش فنی؛ ۵- کارآفرینی چه در صنایع پایه و چه در صنایع پشتیبان در تمامی سطوح اقتصاد؛ ۶- ایجاد نیروی کار با کیفیت بالاتر و متخصص از طریق آموزش ضمن کار در ارتباط با انتقال دانش فنی؛ ۷- افزایش سرمایه‌های جدید که می‌توان آن را به منظور توسعه اقتصادی به کار انداخت.

با افزایش تولیدات اموال فکری اشتغال افزایش می‌یابد و بیکاری کم می‌شود و به تبع آن رفاه عمومی جامعه بیشتر شده و در نتیجه نرخ جرم و بزهکاری‌های اقتصادی به شدت کاهش می‌یابد. همچنین امنیت اقتصادی برای سرمایه‌گذاری در حوزه مالکیت صنعتی بالاتر می‌رود. از این طریق می‌توان مبادلات تجاری محصولات فکری را افزایش داد که در نهایت منجر به بهبود وضعیت تجاری‌سازی اموال فکری خواهد شد.

۳- پایین بودن نرخ سرمایه‌گذاری در حوزه اموال فکری

با توجه به این که قوانین و مقررات موضوعه در حمایت از حقوق مالکیت فکری از کارایی کافی برخوردار نیستند و میزان نقض حقوق مادی و معنوی پدیدآورندگان

محصولات فکری بالا است، در نتیجه ریسک سرمایه‌گذاری در این حوزه بسیار بالاست. این مسأله منجر می‌شود تا سرمایه‌گذاران انگیزه کافی برای سرمایه‌گذاری در این حوزه را نداشته باشند و بالطبع تجاری‌سازی در رابطه با مصادیق فکری کاهش یابد. بدیهی است لازمه شتاب‌گرفتن سرمایه‌گذاری ایجاد امنیت برای سرمایه و پایین آوردن درجه ریسک است. برای این که نرخ رشد تولید افزایش یابد، باید نرخ رشد سرمایه‌گذاری افزایش یابد. (سامتی و همکاران، ۱۳۹۳ ش.) با افزایش سرمایه‌گذاری در حوزه اموال فکری، تولیدات آن نرخ رشد مثبت را طی نموده و این امر موجب تجاری‌سازی در این حوزه خواهد شد.

۴- هزینه‌بر بودن اشتغال به تولید اموال فکری

نگهداری اموال فکری دارای هزینه بسیار بالاست و این امر باعث شده تجاری‌سازی این اموال با موانع جدی مواجه شود. هزینه‌های اقتصادی به دو بخش هزینه کل مادی و هزینه فرصت تقسیم می‌شوند و در اینجا منظور از بالابودن هزینه‌ها، هزینه فرصت است. هزینه فرصت در اقتصاد، معادل نرخ بهره است که می‌توانستیم به دست آوریم، ولی عملاً از دست داده‌ایم. (میرمعزی، ۱۳۸۳ ش.) به عنوان مثال، هزینه فرصت برای تحصیل علاوه بر هزینه‌های مادی، مدت زمان تخصیص برای تحصیل است که می‌توانستیم در اشتغال به شغلی دیگر منافع مادی تحصیل نماییم. (میرمعزی، ۱۳۸۳ ش.)

چون در تولید اختراع یا طرح صنعتی هزینه فرصت زیاد است، افرادی که در این حوزه فعال هستند پس از مدت بسیار کوتاه از ادامه فعالیت باز می‌مانند و در نتیجه تجاری‌سازی اموال فکری به مرحله تکامل خود نمی‌رسد. خصوصاً در بازار ایران اثر یک فرد به شغل کاذب مثل دلالتی منافع تحصیلی وی بیشتر از کسی است که به تولیدات محصولات فکری یا اختراع می‌پردازد. به عبارت دیگر، اشتغال

به تولید محصولات فکری از نظر اقتصادی در ایران فاقد هر گونه توجیه اقتصادی است.

۵- کم‌تر رقابت‌پذیری محصولات فکری در ایران

نظر به این‌که محصولات تولید فکری در ایران خصوصاً محصولات ناشی از اختراع، طرح صنعتی و علامت تجاری دارای کیفیت پایین است، در عمل قدرت رقابت با محصولات فکری در منطقه و جهان را ندارند. در نتیجه، چنین محصولاتی به دلیل از دست‌دادن فرصت چانه‌زنی اقتصادی، از عرصه رقابت در بازار خارج می‌شوند. رقابت‌پذیری معیاری کلیدی برای ارزیابی درجه موفقیت کشورها، صنایع و بنگاه‌ها در میدان‌های رقابتی سیاسی، اقتصادی و تجاری به حساب می‌آید. بدین معنی که هر کشور، صنعت یا بنگاهی که از توان رقابتی بالایی در بازارهای رقابتی برخوردار باشد، می‌توان گفت که از رقابت‌پذیری بالاتری برخوردار می‌باشد. (آقازاده و همکاران، ۱۳۸۶ ش.)

با عنایت به اهمیت زیاد مؤلفه‌های رقابت‌پذیری بنگاه در ایران و نیز وضعیت نامساعد آن‌ها در فضای کسب و کار، لازم است تا دولت و بنگاه‌ها توجه ویژه‌ای به این مؤلفه‌ها مبذول دارند و در جهت بهبود وضعیت آن‌ها برنامه‌ریزی و اقدام نمایند تا الزامات ارتقای رقابت‌پذیری بنگاه‌های ایران را فراهم سازند.

نتیجه‌گیری

در دنیای امروز، قدرت اقتصادی برای هر کشوری اولویت اول در برنامه‌ریزی‌های کلان محسوب می‌شود و توان اقتصادی هر کشور به میزان رشد تولید خالص داخلی آن بستگی دارد. یکی از مؤثرترین مؤلفه در افزایش تولید ناخالص داخلی، تجاری‌سازی محصولات بومی در تمام شاخه‌های اقتصادی است که آثار و اموال فکری از جمله آن‌ها می‌باشد. در کشورهای پیشرفته سهم تولیدات محصول فکری ناشی از تجاری‌سازی آن‌ها بخش قابل توجهی از کل تولید خالص ملی را دربر می‌گیرد. متأسفانه در ایران این سهم بسیار پایین‌تر است.

مشکلات و موانع قانونی در زمینه تجاری‌سازی اموال فکری در ایران عمدتاً به جهت خلأ قانونی یا ضعف و نارسایی در زمینه‌های رابطه بین صنعت و دانشگاه، عدم تأسیس سازمان‌های مدیریت جمعی اموال فکری، عدم جبران خسارت عدم‌النفع و ناسازگاری بین سیاست‌های دولت و رویه قضائی محاکم است. پایین بودن نرخ سرمایه‌گذاری در حوزه اموال فکری، ناکارآمدی نظام گمرکی، کم‌تر رقابت‌پذیری محصولات فکری در کشور، هزینه‌بر بودن اشتغال به تولید اموال فکری و عدم ارزش‌گذاری اموال فکری موانع اقتصادی بر سر تجاری‌سازی اموال فکری در ایران هستند.

اولین رکنی که به عنوان مقدمه حمایت از تجاری‌سازی در یک جامعه می‌توان برشمرد، پیش‌بینی قوانین و مقررات جامع، ضمانت اجراهای آن، انتشار این قوانین و مقررات و در دسترس قرار دادن اطلاعات مربوط به نحوه حفظ و تأمین حقوق پدیدآورندگان می‌باشد. (جلالی و همکاران، ۱۳۹۱ ش.) از این رو در نظر گرفتن خلأهای قانونی و اقدام در جهت جبران آن‌ها از طریق قانون‌گذاری به شیوه‌ای کارآمد و مؤثر یکی از پیشنهادات حاصل‌شده از پژوهش حاضر است. در بعد اقتصادی،

سیاست‌گذاری منسجم و واقعی‌نگر اقتصادی توسط دولت برای اختصاص بودجه‌های تشویقی و افزایش امنیت اقتصادی در جهت ترغیب سرمایه‌گذاران به سرمایه‌گذاری در طرح‌های خلاقانه می‌تواند در جهت سهولت و بسترسازی تجاری‌سازی اموال و آثار فکری پیشنهاد گردند. همچنین تمهید و تسهیل ساز و کارهای مناسب برای پیگیری قضایی ناقضین حقوق مالکیت فکری از جمله اقدامات کارآمد در جهت پشتیبانی از حقوق پدیدآورندگان آثار فکری و تجاری‌سازی محصولات ناشی از آن است.

فهرست منابع

- احسنی‌فروز، محمد. (۱۳۹۱ ش.). مالک‌ها و ضوابط ارزیابی خسارات ناشی از نقض حقوق مالکیت فکری در حقوق داخلی و برخی معاهدات و قوانین خارجی. *فصلنامه حقوق پزشکی*. ویژه‌نامه حقوق مالکیت فکری سال ۱۳۹۱، صص ۲۵۱-۲۵۰.
- آقازاده، هاشم. استیری، مهرداد. اصائلو، بهاره. (۱۳۸۶ ش.). بررسی مؤلفه‌های مؤثر بر رقابت‌پذیری بنگاه‌ها در ایران. *مجله پژوهش‌های اقتصادی*. دوره هفتم، شماره سوم، ص ۴۳.
- بهشتیان، محمود. (۱۳۹۰ ش.). گمرک ایران و حقوق مالکیت فکری. *فصلنامه مجلس و راهبرد*. سال هجدهم، شماره شصت و ششم، صص ۶۷-۶۵.
- پورمحمدی ماهونکی، شیما. (۱۳۹۱ ش.). حق مؤلف و حقوق مرتبط در سازمان‌های مدیریت جمعی. *فصلنامه حقوق پزشکی*. ویژه‌نامه حقوق مالکیت فکری سال ۱۳۹۱، ص ۴۶.
- پورمحمدی ماهونکی، شیما. (۱۳۹۳ ش.). انواع سازمان‌های مدیریت جمعی. *فصلنامه حقوق پزشکی*. ویژه‌نامه حقوق مالکیت فکری سال ۱۳۹۳، ص ۱۲.
- جعفرنژاد، احمد. مهدوی، عبدالمحمد. خالقی‌سروش، فریبا. (۱۳۸۴ ش.). بررسی موانع و ارائه راه‌کارهای توسعه روابط متقابل صنعت و دانشگاه در ایران. *فصلنامه دانش مدیریت*. دوره هجدهم، شماره اول، صص ۴۲، ۴۴، ۴۶، ۵۲، ۶۰.
- حسینی، علیرضا. (۱۳۹۱ ش.). *حمایت از حقوق مالکیت فکری در فقه و حقوق ایران و کنوانسیون‌های بین‌المللی*. ارائه الکترونیکی در: <http://laworg.blogfa.com/post-95.aspx>
- زری‌باف، مهدی. استیری، روح‌اله. ابراهیمی‌عسگری، جلال. (۱۳۸۸ ش.). ارزش‌گذاری مالکیت معنوی. *فصلنامه مدیریت*. سال ششم، شماره پانزدهم، ص ۲.
- سامتی، مرتضی. صامتی، مجید. ملاسمعیلی‌دهشیری، حسن. (۱۳۹۳ ش.). تحلیل نقش ساختار قانونی و امنیت حقوق مالکیت در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با رویکرد (P-VAR): مورد کشورهای صادرکننده نفت. *مجله سیاستگذاری اقتصادی*. دوره ششم، شماره دوازدهم، ص ۱۵۶.

سلطان‌زاده، سجاد. (۱۳۹۳ ش.). نقش سازمان جهانی مالکیت فکری در ظرفیت‌سازی و ارتقای جایگاه سازمان‌های مدیریت جمعی در نظام‌های حقوقی ملی. *فصلنامه حقوق پزشکی*. ویژه‌نامه حقوق مالکیت فکری سال ۱۳۹۳، ص ۸۱.

شیخی، مریم. (۱۳۸۵ ش.). ضمانت اجراهای گمرکی نقض حقوق مالکیت صنعتی: مطالعه تطبیقی. *فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی*. دوره یازدهم، شماره چهل و یکم، صص ۱۰۴-۱۰۰.

صادقی، محسن. (۱۳۹۳ ش.). سهم منصفانه پدیدآورندگان در قراردادهای تجاری‌سازی آثار ادبی و هنری و نقش سازمان‌های مدیریت جمعی در تحقق آن. *فصلنامه حقوق پزشکی*. ویژه‌نامه حقوق مالکیت فکری سال ۱۳۹۳، ص ۱۵۲.

جلالی، محمد. حیدری، لادن. (۱۳۹۱ ش.). نظم عمومی و حقوق مالکیت ادبی و هنری. *فصلنامه حقوق پزشکی*. ویژه‌نامه حقوق مالکیت فکری سال ۱۳۹۱، ص ۱۹.

معینی، حامد. (۱۳۹۳ ش.). آیین‌نامه و اساسنامه پیشنهادی برای سازمان‌های مدیریت جمعی. *فصلنامه حقوق پزشکی*. ویژه‌نامه حقوق مالکیت فکری سال ۱۳۹۳، صص ۸۷-۸۶.

میرمعزی، سیدحسین. (۱۳۸۳ ش.). هزینه فرصت سرمایه‌گذاری در اقتصاد اسلامی. *فصلنامه اقتصاد اسلامی*. سال چهارم، شماره شانزدهم، صص ۷۷-۷۶.

نجمایی، منصور. حاجی حیدری، نسترن. تندهوش، هومن. (۱۳۸۳ ش.). شیوه‌های ارزش‌گذاری دارایی‌های معنوی در فرایند سرمایه‌گذاری. اولین کنفرانس ملی سرمایه‌گذاری مخاطره‌پذیر، تهران: جهاد دانشگاهی دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، ص ۲۵.

یادداشت شناسه مؤلفان

محمدهادی میرشمسی: استادیار، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
(نویسنده مسؤول)

پست الکترونیک: mh_mirshamsi@yahoo.fr

خیرالله هرمزی: استادیار، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

محبوب افراسیاب: دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

Examination of the Factors and Barriers on Commercialization of Intellectual Properties in Iran

Mohammad Hadi Mirshamsi

Kheyrollah Hormozi

Mahbob Afrasiyab

Abstract

Today, economical power for every country is one of the first priorities in national policies and economic potential of each country depends on net national product. The most effective factor in the increase of gross national product is the commercialization of indigenous products in all economic fields where intellectual properties are one of them. In developed countries, the portion of intellectual products that have been commercialized consists 40% of net national products. However, this number is considerably lower in Iran. This article examines the factors and barriers on commercialization of intellectual properties from legal and economic point of view.

Keywords

Commercialization of Intellectual Properties, Legal Gaps, Economic Problems